

چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی^۱

دکتر مصطفی تقی زاده انصاری*

چکیده

حفاظت از محیط زیست یکی از موضوعات امروزی بشریت می‌باشد. لذا برای مقابله با آثار مخرب رفتارهای بشر در محیط زیست جامعه بین المللی به اقدامات مختلفی پرداخته است. این اقدامات هم در سطح داخلی از طریق وضع قوانین مناسب و هم در سطح بین المللی در چارچوب معاهدات بین المللی ملاحظه می‌شود. با توجه به اینکه اسلام دینی است که محدود به یک زمان و یا مکان خاص نمی‌باشد و برای تمام موضوعات در هر زمان و مکانی راهکاری را ارائه می‌دهد، چگونگی برخورد اسلام با مسایل زیست محیطی و راهکارهای حقوقی مختلفی که با توسل به آنها قانونگذاران می‌توانند به تدوین قوانین مناسب بپردازند در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته اند. در حقوق اسلام احکامی وجود دارند که می‌توان با توسل به آنها به حل موضوعات مختلف در زمانهای و در تمامی جوامع پرداخت. شارع اسلامی با استناد به این احکام می‌تواند به حل موضوعات زیست محیطی بپردازد. در این مقاله به بررسی این احکام می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: راهکار حقوقی، اسلام، حفاظت از محیط زیست، جامعه بشری، معاهدات، قواعد حقوقی، احکام اسلامی

* استادیار دانشگاه آزاد واحد تهران شمال

امروزه مسایل زیست محیطی تبدیل به یکی از مهمترین دغدغه های بشری گردیده است. علت اصلی ایجاد این مسایل نیز توجه بشر به رفاه مادی و پیشرفت اقتصادی خود می باشد. البته توجه به مسایل اقتصادی موضوع جدیدی نبوده بلکه بشر از ابتدای پیدایش در کره ی خاکی تا به امروز با اندیشه دستیابی هر چه بیشتر به رفاه و آسایش زندگی کرده و راه رسیدن به این هدف را نیز در توسعه اقتصادی یافته است. لازمه ی هر نوع توسعه اقتصادی در بهره برداری از منابع طبیعی نهفته است. بنابراین به هر میزان که از طبیعت بهره برداری شود به همان میزان نیز توسعه اقتصادی بدست می آید. این برداشت موجب بهره برداری بیش از حد از طبیعت و منابع طبیعی گردید. غافل از اینکه نتیجه بهره برداری بی رویه و بیش از حد از طبیعت و منابع طبیعی باعث وارد شدن آسیب هائی به محیط زیست می شود که نتیجه دیگر آن بر هم خوردن تعادل اکولوژیکی در طبیعت است. بهره برداری بیش از حد از جنگلها و منابع معدنی هم چون نفت برای تامین انرژی موجب گرم شدن کره زمین و نازک شدن لایه اوزون (سپری که مانع از نفوذ امواج خطرناک خورشیدی به زمین می شود) شده است. از طرف دیگر استفاده از سوختهای فسیلی موجب افزایش آلودگیها گردیده است. با توجه به وضعیت بوجود آمده امروزه بشر به این نتیجه رسیده که بهره برداری بی رویه از منابع طبیعی به منظور توسعه اقتصادی نه تنها برای بشر رفاه به دنبال ندارد بلکه در دراز مدت می تواند موجودیت او را با خطر مواجه نماید. با توجه به این آگاهی افکار جدیدی بوجود آمد مبنی بر اینکه هر نوع توسعه اقتصادی باید با در نظر داشتن مصالح زیست محیطی به عمل آید که اصطلاحاً به آن توسعه پایدار گویند یعنی توسعه ای که موجب از بین رفتن منابع زیست محیطی نشود. بدین ترتیب امروزه توجه به محیط زیست بسیار افزایش یافته و برای حفاظت آن حقوق محیط زیست نقش مهمی ایفا می نماید. نقشی که هر روز پر رنگ تر و کامل تر می گردد.

حقوق محیط زیست عبارت است از مجموعه قواعد و مقررات حاکم بر روابط انسان با محیط پیرامونی خود. با توجه به اینکه محیط پیرامونی انسان شامل محیط طبیعی و محیط انسانی می شود بر این اساس حقوق محیط زیست به دو بخش تقسیم و تعریف می گردد: حقوق محیط زیست طبیعی و حقوق محیط زیست انسانی. منظور از حقوق محیط زیست طبیعی حقوق حاکم بر روابط انسان با طبیعت است که شامل جنگل و مراتع و نیز دریاها و رودخانه ها و منابع شیلاتی و جانوری غیر آبی می باشد. منظور از حقوق محیط زیست انسانی محیطی است که بشر در آن زندگی می نماید مانند محیط شهر و روستا و محیط کار.

به طور کلی هدف حقوق محیط زیست حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی آن اعم از عناصر جاندار و بی جان آن و جلوگیری از هر گونه رفتاری است که موجب آسیب رساندن به این عناصر می گردد. آسیب به محیط زیست در قالب دو گروه از حقوق مورد بررسی قرار می گیرند. حقوق آلودگی ها در رابطه با عناصر بی جان و حقوق تخریب در رابطه با عناصر جاندار.

حال این سوال مطرح می شود که با توجه به اینکه معضلات زیست محیطی از جمله ی موضوعات عصر جدید محسوب می شود و حقوق محیط زیست به طور اخص پس از جنگ جهانی دوم بوجود آمده آیا می توان در حقوق اسلامی راه حل معضلات عصر جدید را یافت؟

برای پاسخ به این سوال نیاز به بررسی مبانی حقوق در اسلام داریم. بر اساس منابع حقوق در اسلام که کتاب و سنت دو منبع مهم آن محسوب می شوند شالوده حقوق اسلامی بر دو مبنا و قواعد استوار است احکام ثابت و خاص و احکام عام و کلی.

بند ۱- احکام خاص و ثابت

منظور از احکام خاص و ثابت احکامی می باشند که صریحاً و دقیقاً موضوعشان در منابع حقوقی اسلامی مطرح شده اند. مهمترین منابع حقوقی در اسلام کتاب یا بعبارت دقیق تر قرآن کریم است و بعد از آن دیگر منابع قرار دارند:

هم چنان که آمد محیط زیست، مجموعه ای از عناصر جاندار و بی جان در طبیعت و هم چنین محیطی که انسان در آن زندگی می نماید را شامل می شود.

سه عنصر آب، هوا و خاک به عنوان عناصر بی جان و عناصری هم چون گیاهان و جانوران به عنوان عناصر جاندار و محیطی که انسان در آن زندگی می‌نماید مجموعه محیط زیست انسان را تشکیل می‌دهد. آسیبی که به محیط زیست وارد می‌شود یا به صورت آلوده نمودن آن می‌باشد و یا تخریب آن.

الف- حقوق آلودگی‌ها در اسلام

سه عنصر اصلی در طبیعت که حیات به واسطه آنها بوجود می‌آید و تداوم می‌یابد عبارتند از آب، هوا و خاک. از امام صادق (ع) نقل است که فرمود "لا تطیب السکنی الا بثلاث الهواء الطیب والماء الغزیر و الارض الخواره" زندگی به سه چیز گوارا می‌شود هوای پاکیزه، آب گوارای فراوان و زمین حاصلخیز. (اسلام و محیط زیست-آیه اله جوادی آملی -قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶ ص ۸۷) با توجه به این حدیث به بررسی اهمیت این عناصر در اسلام می‌پردازیم. با توجه به اینکه آسیب وارده به این عناصر عمدتاً از طریق آلوده نمودن آنها صورت می‌گیرد به این جهت در قالب حقوق آلودگی‌ها به مطالعه آنها می‌پردازیم که البته در ضمن بحث به بررسی آلودگی صوتی در اسلام نیز خواهیم پرداخت.

۱- اهمیت آب و مقابله با آلودگی آن در اسلام

۱-۱- اهمیت آب

نزدیک به دو سوم کره زمین را آب فرا گرفته و زندگی کلیه جانداران وابسته به آن است. در آیات متعددی در قرآن و هم چنین در احادیث به اهمیت آب به عنوان یک عنصر حیات بخش اشاره شده است.

خداوند در سوره انبیاء آیه ۳۰ می‌فرماید " وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ " یعنی و از آب هر چیزی را زنده گردانیدیم. در اهمیت آب همین بس که بگوئیم اولین عنصر حیاتی خلق شده توسط خداوند آب بوده است زیرا خداوند در سوره هود آیه ۷ می‌فرماید: " وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ... " و اوست خدائی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید در حالی که عرش خداوند روی آب بود". بنابراین قبل از آسمان‌ها و زمین خداوند آب را خلق نموده بوده است.. هم چنانکه آمد آب منشاء حیات است. در این رابطه خداوند در سوره نور آیه ۴۵ می‌فرماید "وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ... " خداوند هر جنبنده ای را از آب آفرید" و در سوره فرقان آیه ۵۴ خداوند تاکید بر این دارد که وجود بشر نیز از آب است " وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا... " اوست کسی که از آب بشر را آفرید. چرا که حجم بزرگی از جسم بشر و هم چنین سایر موجودات را آب تشکیل می‌دهد. در رابطه با منشاء آب در سوره نحل آیه ۶۵ چنین آمده "وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا... " خدا از آسمان باران فرستاد تا زمین را پس از مرگ زنده کند. بنابراین منشاء آب در آسمانها بوده و هدف از نازل نمودن آن در زمین زنده نمودن زمین و به طور کلی حیات بوده است. و در سوره زمر آیه ۲۱ آمده "أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا لِّوَالِنِهِ... " آیا نمی‌بینی که خدا از آسمان باران نازل گردانید و در روی زمین نهرها، جویها روان ساخت و آنگاه نباتات گوناگون از آن برویاند. بنابراین زندگی و طراوت و زیبایی در زمین به جهت موهبت آب است بموجب سوره نمل آیه ۶۰ "... وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَبَابًا وَأَنْبَتْنَا بِهِ حَبَابًا... " از آسمان برای شما باران می‌فرستد که با آن بوستان‌های سرسبز و خرمی پدید می‌آورد. علاوه بر زیبایی و دل‌انگیزی که به لطف آب در زمین پدیدار شده آب موجب زندگی بشر و سایر موجودات و ادامه حیات است چرا که به وسیله آن بشر می‌تواند به کشت و زرع پرداخته و از محصولات کشاورزی و باغداری استفاده نماید. در این رابطه در سوره انعام آیه ۹۹ چنین آمده است " وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُشْتَبِهٍ... " و هم اوست خدائی که از آسمان برای شما باران فرستاد تا هر نبات بدان برویانی، سبزه‌ها را از زمین بیرون آوریم و دانه‌هایی بر روی هم پیچیده شده پدید آریم و از درخت خرما خوشه‌های پیوسته به هم بر انگیزیم و باغهای زیتون و انگور و انار خلق کنیم و در سوره نحل آیه‌های ۱۰ و ۱۱ می‌فرماید "هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (۱۰) يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ... " اوست خدائی که آب را از آسمان فرستاد که از آن بیاشامید و درختان پرورش دهید... و هم زراعت‌های شما را از آن آب باران برویاند و در سوره سجده آیه ۲۷ آمده: "أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ نَسُوقَ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَخُرُجٌ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ... " آیا ندیدید که ما آب را در زمین خشک بی‌آب و گیاه جاری ساختیم تا حاصلی را پدید آوردیم تا از آن مردم و دام‌هایشان مصرف کنند.

و یا در سوره فرقان آیه های ۴۸ و ۴۹ می فرماید وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸) لِنُحْيِيَ بِهِ بَلَدَهُ مَيِّتًا وَنُسْفِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَتْعَامًا وَأُنَاسٍ كَثِيرًا " از آسمان آب پاک و پاکیزه برایشان نازل کردیم تا با آن زمین خشک و مرده را زنده سازیم و هر آنچه آفریدیم، چهارپایان و آدمیان بسیاری را سیراب گردانیم.

و در آیه ۱۶۴ سوره بقره آمده " و در آبی که خداوند از آسمان فرو فرستد تا بدان زمین را پس از مرگش زنده سازد و در آن از هر جنبنده ای بپراکند و در گردش بادها و ابری که میان آسمان و زمین مسخر است، همانا آینهائی است برای قومی که به خرد یابند"

علاوه بر آن انباشته شدن آبها موجب بوجود آمدن دریاها می شود که خود دریاها از جهات مختلف برای بشر مفید است از قبیل منابع جاندار و بی جان واقع در آنها و یا برای کشتی رانی و ارتباطات میان انسانها. در این خصوص در سوره نحل آیه ۱۴ چنین آمده "وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَا كَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا..." و او خدائی است که دریا را برای شما مسخر گردانید تا از گوشت و ماهیان حلال آن تغذیه کنید. هم چنین در سوره مائده آیه ۹۶ چنین آمده "أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيْرَةِ..." صید دریا و طعام آن برای شما حلال است تا شما و مسافران از آن بهره مند شوید. در سوره نحل آیه ۱۴ " وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِنَا كَلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا..." خدائی که دریا را برای شما مسخر گردانید تا از گوشت لطیف و تازه آبزیان تغذیه کنید و از زیورهای آن (در، مرجان، خز، سنجاب) استخراج کرده و خود را زینت دهید.

در رابطه با استفاده از دریا برای حمل و نقل در سوره نحل آیه ۱۴ چنین آمده " وَتَرَى الْفَالِكَ مَوَاجِرَ فِيهِ وَلِيَنْبَغُوا مِنْ فَضْلِهِ..." خدائی که دریا را برای شما مسخر گردانید و کشتی ها را می بینید که سینه دریا را می شکافند تا شما از فضل خدا بهره گیرید. در سوره بقره آیه ۱۶۴ وَالْفَالِكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ... " کشتی ای که برای بهره وری مردم در دریا روان است.

در احادیث نیز به اهمیت آب اشاره شده در این خصوص می توانیم به حدیث آمده از امام صادق (ع) اشاره نماییم که فرمودند " اساسی ترین نیاز زندگی مادی انسان آب است و نان. نیاز انسان به آب بیش از نیازش به نان است زیرا انسان بر گرسنگی بیش از تشنگی صبر دارد. انسان آب را برای خوردن، وضو، غسل، شست و شوی لباس ها، سیراب کردن حیوانات و آبیاری باغ و مزارع استفاده می کند" باز از امام صادق (ع) نقل است که فرمودند آب مزه زندگی است زیرا خداوند می فرماید: همه چیز را به وسیله آب زنده نگه داشته ایم. هم چنین ابوحیان اندلسی در کتاب "البحر المحيط" ذکر نموده که آب اولین مخلوق الهی بوده است (اسلام و محیط زیست - دکتر عیسی ولائی - نشر اندیشه مولانا - قم ۱۳۸۸ ص ۷۴-۷۵)

بدین ترتیب آب به عنوان عنصری مهم در طبیعت مورد توجه اسلام می باشد زیرا در حقیقت حیات انسان و تمام موجودات به آن بستگی دارد و موجب سرسبزی و پدید آمدن منظر زیبا و خرم است.

در همین رابطه از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که " مردم در سه چیز شریکند: آب، چراگاه و آتش (نوری میرزا حسن، مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۱۱۴). بنابراین آب متعلق به همه است و کسی نمی تواند آن را به مالکیت خود در آورد و از آن هر نوع خواست استفاده و بهره برداری کند. بنابراین بدلیل اینکه آب از حقوق عامه است نباید آن را آلوده نمود چرا که این کار تجاوز به حقوق دیگران محسوب می شود.

۱-۲- عدم آلودگی آب

بنابراین آنچه که گذشت در اسلام آب به عنوان عنصری حیاتی از جایگاهی خاص برخوردار است و نباید آلوده شود. طبق ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست آلودگی آب عبارت است از آمیختن مواد خارجی به آب به میزانی که برای موجودات و گیاهان زیان آور باشد. در رابطه با پاکیزه نگاه داشتن آب و عدم آلودگی آن از پیامبر اکرم (ص) نقل است که می فرماید "نه چیز موجب فراموشی خواهد بود که یکی از آنها بول در آب راکد است که حضرت آن را نهی فرموده است و در جای دیگر ادرار در شط و در آب جاری و آب دهان انداختن در آب آشامیدنی مردم را نهی نموده اند. " (عیسی ولائی ص ۸۲)

از امام علی (ع) نیز نقل شده است که فرمود " رسول خدا از نشستن برای قضای حاجت در کنار چاه شیرین و جوی آب شیرین و زیر درخت میوه دار نهی فرموده اند" هم چنین آن حضرت نیز بول در آب را نهی نموده است " (عیسی ولائی ص ۸۲) هم چنین در حدیثی دیگر از امام صادق (ع) آمده که به یکی از یارانش فرمود " و لا تفسد علی القوم ماء هم" یعنی آب مردم را آلوده مکن. (اخلاق زیست محیطی در اسلام- سید فضل اله حسینی- محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۷۳)

در همین رابطه در کتاب ذخیره خوارزمشاهی از سید اسماعیل جرجانی آمده "دسته ای از بیماریها مانند جذام، آبله، هاری، وبا، برص و... مسری بوده و انتقال آنها از راه هوا، آب الوده و غیره صورت می‌گیرد" (عیسی ولانی ص ۸۲)

۲- اهمیت هوا و مقابله با آلودگی آن در اسلام

۱-۲- اهمیت هوا

در رابطه با اهمیت هوا در اسلام خداوند در سوره انبیا آیه ۳۲ می‌فرماید "وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَفْكَاً مَّحْفُوظًا... و" و آسمان را سقفی محفوظ و طاقی محکم آفریدیم. در تفسیر کلمه سماء گفته شده که منظور جو زمین می‌باشد یعنی فضای هوایی متراکمی که دور تا دور کره زمین را احاطه نموده و مانع از نابودی آن در برابر تشعشعات خورشیدی می‌شود. و اجازه می‌دهد تا هوای میان کره زمین تا جو در سیر طبیعی خود جریان داشته که خود موجب ادامه حیات در زمین می‌شود. بموجب بند سوم ماده یک آییننامه جلوگیری از آلودگی هوا، هوای آزاد عبارت است از جو طبیعی. از امام صادق (ع) نقل شده که فرمودند "زنده بودن همه ابدان به هوا وابسته است و این هوا است که ساز و کار داخلی بدن را با استنشاق آن تنظیم می‌نماید و از نظر روحی نیز بر شادابی و نشاط و یا افسردگی و کسالت انسان تاثیر مستقیم دارد". هم چنین می‌فرماید که باد همان هواست زمانی که هوا به حرکت در می‌آید به آن باد می‌گویند و زمانی که از حرکت باز می‌ایستد هوا نامیده می‌شود و پایداری طبیعت به باد بستگی دارد، باد سفیر رحمت الهی است. در سوره رم آیه ۴۶ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ... از جمله آیات قداست الهی آنست که بادهای بشارت آوری می‌فرستد که شما را به چیزی از رحمت بی انتهای خود بهره مند کند. با جریان باد ابرهای آسمان از نقطه ای به نقطه دیگر پراکنده شوند و با تراکم آنها باران های پیاپی فرود می‌آید و با جذب آنها در زمین نیازهای مختلف موجودات تامین می‌شوند. در سوره روم آیه ۴۸ "اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُبْرِئُ سَخَابًا فِي بُسْطٍ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا قَهْرًا أَلْوَقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ نَجْمًا كَذَا أ صَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ" خدا آن کسی است که بادهای را می‌فرستد تا ابرها را در فضا برانگیزد پس به هر گونه که مشیتش تعلق گیرد و در اطراف آسمان متصل و منبسط کند و باز متفرق گرداند آنگاه باران را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد تا به کشتزار و صحرای قومی از بندگان که بخواهد فرو بارد و آن قوم مسرور و شادمان گردند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: وزش باد از هواست، باد از اجسام (اقیانوس ها، دریاها و...) می‌گذرد ابرها را از جایی به جای دیگری می‌برد تا همگان بهره مند شوند. ابرها متراکم می‌گردند در نتیجه باران فرود می‌آید. باد درختان را بارور می‌نماید، کشتی ها را به حرکت در می‌آورد، غذاها را نرم و آنها را خنک می‌گرداند، آتش ها را شعله ور و اشیاء تر و چسبنده را خشک می‌کند. حاصل آن باد هر آنچه را در زمین است زنده می‌کند. اگر باد نبود گیاهان خشک و پژمرده می‌شدند، حیوانات می‌مردند و همه چیز فاسد می‌شد. از آن حضرت نقل است که فرمود "چنانچه سه روز باد در طبیعت نوزد هر آنچه بر روی زمین است فاسد می‌گردد و می‌گندد. این بدان جهت است که باد همانند روح بدن است و همان طور که هر گاه روح از بدن خارج شود بدن می‌پوسد و دچار تعفن می‌شود باد نیز اگر از طبیعت گرفته شود طبیعت به فساد کشیده می‌شود." هم چنین آن حضرت فرموده اند "ای مفضل تو را از رموز باد آگاه سازم تا بدانی در آن چه حکمت و مصلحت و فوایدی نهفته است. آیا نمی‌بینی اگر باد از حرکت بایستد چگونه بلاها پدید می‌آیند؟ بلاهاتی که جان انسان ها را نشانه می‌رود و بیماری ها شیوع می‌یابد میوه ها فاسد و سیزی ها متعفن می‌گردند و در پی آن وبا بروز می‌کند و آفت در غلات و کشاورزی می‌افتد. همه اینها گویای این مطلب است که وزش باد از روی تدبیر خدای حکیم برای اصلاح امور آفریدگان است." (عیسی ولانی ص ۸۵-۸۸)

۲-۲- عدم آلوده نمودن هوا

هم چنان که آمد هوا عنصری حیاتی در زندگی موجودات می‌باشد. برای آگاهی به ارزش آن کافی است توجه شود که اگر انسان می‌تواند چند روز بدون آب و یا چند هفته بدون غذا زندگی کند، بیش از سه دقیقه نمی‌تواند بدون اکسیژن دوام آورد (کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریو- ص ۱۰۳)

بموجب بند ۲ ماده یک آئین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ آلودگی هوا عبارت است از وجود یک یا چند آلوده کننده در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که مضر به حال انسان و یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد".

امام علی(ع) از حضرت رسول(ص) نقل فرموده که پیامبر(ص) نهی نموده که مسلمین با استفاده از سموم دشمن را از پا در آورند " نهی رسول الله(ص) ان یلقى السم فی بلاد المشرکین". بنابراین "مسلمین حق ندارند با مسموم نمودن آب و یا آلوده نمودن هوا شهرهای دشمن را مورد حمله قرار دهند. (عیسی ولائی ص ۹۰)

در همین رابطه از حضرت علی (ع) نقل است که فرمودند "هرچیز که باعث آزار مردم گردد باید از بین برود" بنابراین باید از اقدام به آلوده نمودن هوا که موجب به خطر افتادن حیات انسان و سایر موجودات می شود ممانعت نمود. هم چنین از ایشان نقل شده است که نباید از پشت بام در هوا ادرار و در آب جاری بول نمود. طبق بند یک ماده یک آئین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۹ آلوده کننده عبارت است از هر نوع ماده گازی، بخار، مایع و جامد و یا مجموعه و ترکیبی از آنها که در هوای آزاد پخش و باعث آلودگی هوا شده و یا به آلودگی آن بیفزاید یا تولید بوهای نامطبوع... نماید. در این رابطه از حضرت علی(ع) نقل است که فرمود کسی که دهانش بوی بد می دهد و باعث آزار مردم می شود نباید به مسجد وارد شود. (اخلاق زیست محیطی در اسلام-سید فضل اله حسینی-محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۷۵)

۳- اهمیت خاک و مقابله با آلودگی آن

۱-۳- اهمیت خاک

یکی دیگر از عناصر حیاتی خاک است. خاک منشأ حیات آدمی و کلیه موجودات است بر اساس آیات الهی خاک مادر انسان است. در این رابطه در سوره کهف آیه ۳۷ چنین آمده "أَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ... آیا به خدائی که تو را از خاک آفریده کفر می ورزی؟ در سوره حج آیه ۵ می فرماید "يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ... ای مردم اگر تردید در مبعوث شدن (در قیامت) دارید بدین دلیل توجه کنید که من شما را از خاک آفریدم و نیز در سوره آل عمران آیه ۵۹ آمده "إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ... همانا خلقت عیسی پیش خدا همانند خلقت آدم است که خداوند او را از خاک آفرید.

پیامبر اکرم(ص) می فرماید "تمسحوا بالارض فانها امکم و هی بکم بره" بر زمین مسح کنید زیرا زمین مادر شماست و به شما نیکوکار. "(عیسی ولائی ص ۹۲-۹۳)

انسان از خاک روزی خود را بدست می آورد. در این رابطه در سوره ملک آیه ۱۵ چنین آمده "هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ تَلًّا وَلَا تَأْمِسُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ... او آن خدائی است که زمین را برای شما نرم و هموار گردانید پس شما در پستی و بلندی های آن حرکت کنید و روزی او را بخورید.

بنابراین زمین محل سکنی انسان و جایی است که در آن آسایش می یابد. در سوره طه آیه ۵۳ آمده "الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا... همان خدائی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در سوره غافر آیه ۶۴ "اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا" خدائی که زمین را محل قرار و آسایش شما قرار داد. (عیسی ولائی ص ۹۴)

یکی از خواص خاک ویژه گی پاک کنندگی آن و از بین بردن ناپاکی هاست. به همین جهت اجساد را در خاک دفن می نمایند و یا زباله ها را در خاک مدفون می نمایند. در سوره مائده آیه ۶ چنین آمده "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا هَمَمْنَا إِلَى الصَّلَاةِ فَاعْبُدُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ... ای مومنان هر گاه آهنگ نماز کردید صورت و دستان خود را بشوئید (وضو بگیرید) و اگر آب پیدا نکردید آهنگ خاک پاکی کنید. پس صورت و دستان خود را با آن مسح کنید. پیامبر(ص) فرمود "جعل لی الارض مسجدا و طهورا اینما كنت اتیم من تربتها و اصلی علیها" خداموند زمین را برای من سجده گاه و هم به عنوان ابزار طهارت قرار داده، هر کجا باشیم می توانیم بر خاک تیمم کنیم و بر آن نماز بخوانیم. در جای دیگر می فرمایند "ان الارض بکم بره تیمو منها و تصلون علیها فی الحیاه و هی لکم کفارت فی المات و ذلک من نعمه له الحمد فاضل ما یسجد علیه الارض النقیه" زمین به شما مهربان و نیکوکار است از آن تیمم می کنید، در زمان حیات بر آن نماز می خوانید و پس از مرگ شما را در خود گرفته و ضمیمه خود می کند و این از نعمت های خداست و حمد ستایش برای اوست. پس بهترین چیزی که بر آن سجده می شود زمین پاک است. "(عیسی ولائی ص ۹۸)

۲-۳- احیای خاک و مقابله با آلوده نمودن آن

در اسلام توصیه به آباد نمودن زمین و احیای زمینهای موات شده است. در این رابطه در سوره هود آیه ۶۱ چنین آمده است "هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا... او خدائی است که شما را از خاک آفریده و شما

را برای آبادی آن بر گماشت ". از پیامبر اکرم(ص) نقل شده "العباد عبادالله و البلاد بلاد الله فمن احیی من مواد الارض شینا فهو له" انسان ها همگی بنده خدایند و زمین ها هم زمین پروردگار. شخصی که زمین غیر آبادی را آباد کند به همان مقدار که آباد کرده مالک خواهد شد.

امام صادق(ع) می فرماید: هرکسی زمین بایر و خرابی را با جاری کردن نهرها و اقدامات خود آباد کند آن فرد با صدقه دادن مالک آن می شود و اگر آن زمین سابقا مالک داشته اما مالک آن را رها کرده به گونه ای که خراب شده و پس از آباد کردن مراجعه نموده و ادعای مالکیت نماید حرف او پذیرفته نیست بلکه آباد کننده مالک آن است.

پیامبر(ص) فرمود "هرکه زمین را احیای کند به گونه ای که تشنه ای از آن آب بنوشد خداوند در قبال آن پاداشی برای وی منظور می فرماید." (عیسی و لائی ص ۹۹-۱۰۰)

امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر فرمود "و لیکن نظرک فی عماره الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخرج لان ذلک لا یدرک الا بالعماره" اهتمام تو به آباد نمودن زمین بیش از همت تو به جمع آوری درآمد(برای دولت) باشد زیرا درآمد زمانی به دست می آید که زمین ها آباد باشد. (عیسی و لائی ص ۱۰۱).

در اسلام به احیا زمین موات بسیار توصیه شده، در این خصوص از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود کسی که زمین مرده ای را احیا کند مالک آن خواهد شد و امام باقر(ع) فرمود که هر قومی که زمینی را آباد کند آن زمین ملک آنهاست. (عیسی و لائی ص ۱۸۶)

۳-۳ عدم تخریب و آلودگی خاک

حقوق محیط زیست به ایجاد رابطه دو طرفه میان انسان و محیط زیست می پردازد. همانگونه که انسان در چهارچوب این حقوق حق دارد از مواهب طبیعی و از طبیعت استفاده نماید طبیعت نیز حق دارد به حیات خود ادامه دهد و نباید بهره برداری انسان از آن بنحوی باشد که موجب تخریب و از بین رفتن طبیعت گردد. چرا که بموجب سوره بقره آیه ۲۹ "هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا..." او خدائی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد" بنابراین مالک تمام آنچه که در عالم هستی و در طبیعت قرار دارد خداوند می باشد و انسان فقط امانت دار بوده و لذا نباید با اقدامات خود موجب از بین رفتن طبیعت گردد.

با توجه به آنچه که گذشت انسان باید در حفظ خاک کوشا باشد. بعبارت دیگر انسان در برابر خاک و زمین مسئول می باشد. امام علی(ع) در این زمینه می فرماید "فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم" شما در مورد زمین و چهارپایان نیز مسئول هستید" (نهج البلاغه ص ۲۴۲ اخلاق زیست محیطی در اسلام فضل اله حسینی-محسن عمیق ص ۷۷) نتیجه این مسئولیت این است که انسان باید از هر اقدامی که موجب آلودگی خاک و یا تخریب آن می شود اجتناب نماید.

بموجب ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست منظور از آلودگی خاک عبارت است از آمیختن مواد خارجی به خاک یا زمین به میزانی که برای موجودات و گیاهان زیان آور باشد.

در سوره اعراف آیه ۵۶ " وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ " هرگز در زمین فساد نکنید و خدا را هم از روی ترس و هم امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است. منظور این است خداوند زمین را برای بشر ایجاد نمود تا در آن زندگی نموده به تکامل برسد و بنابراین نباید به تخریب آن پردازد بنابراین از بین بردن مواهب طبیعی از طریق الوده نمودن و یا تخریب آن بموجب این آیه نهی شده است.

از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود "ثلاث ملعون من فعلهن المتغوط فی ظل النزال و المانع الماء المنتاب و ساد الطريق المسلوک" سه نفر ملعون است: کسی که محل استراحت مردم را آلوده به نجاست کند، کسی که مانع آب نوبتی مردم شود و کسی که راه تردد مردم را ببندد....(اخلاق زیست محیطی در اسلام-سید فضل اله حسینی-محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۱۰۷)

۴- آلودگی صوتی در اسلام

آلودگی صوتی از جمله آلودگی های عصر جدید و زندگی شهری معاصر می باشد که موجب آثار روانی و جسمانی خطرناکی در فرد می گردد. به نظر کارشناسان سر و صدای بیش از ۷۰ دسی بل برای بشر زیان آور است. بموجب ماده ۲۷ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۷۴/۲/۱۳ ایجاد هر گونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع است و بموجب ماده ۳۲ همین قانون کسانی که چنین آلودگی به وجود آورند باید به مجازاتهای پیش بینی شده برسند (حقوق محیط زیست در ایران - دکتر مصطفی تقی زاده انصاری انتشارات سمت چاپ دوم ۱۳۸۷ ص ۸۱-۸۰) در سوره لقمان آیه ۱۹ خداوند از زبان لقمان به فرزندش می فرماید: "... وَأَعِضْضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ" و سخن آرام بگو نه با فریاد بلند که زشت ترین صدا، صدای الاغ است.

امام علی(ع) می فرماید "خفض الصوت و غض البصر و المشی القصد من اماره الايمان و حسن التدين" فرو آوردن آوا، فرو فکندن چشم و میانه روی در راه رفتن از نشانه های ایمان و نیک دینی است. پیامبر اسلام(ص) صدای بلند را که موجب ترس و اضطراب دیگران شود ظلم و ستم نام نهاده و فرموده "لا ترفعوا المسلم فان رعه المسلم ظلم عظیم" مسلمانان را با آواهای نابهنجار نترسانید که ترساندن مسلمان ستمی است بزرگ. "(عیسی ولایی ص ۹۲)

در قرآن آمده که در مواردی آلودگی صدا حتی می تواند موجب مرگ و هلاکت گردد. در این خصوص در سوره هود آیه ۶۷ خداوند می فرماید " و اخذ الذین ظلموا الصیحه فاصبحوا فی دیارهم هم جاثمین" کسانی که ستم نموده بودند دچار آن بانگ (مرگبار) شدند و در خانه هایشان از پا در آمدند..(اخلاق زیست محیطی در اسلام-سید فضل اله حسینی-محسن عمیق نشر استاد مطهری ۱۳۸۵ ص ۷۶)

ب - حقوق تخریب محیط زیست در اسلام

تخریب محیط زیست عمدتاً شامل از بین بردن و آسیب رساندن به عناصر جاندار طبیعت هم چون حیوانات و گیاهان می باشد. در اینجا ضمن بحث پیرامون جایگاه و اهمیت این عناصر در اسلام به مطالعه چگونگی مقابله با تخریب آنها می پردازیم.

۱- حفاظت از حیوانات

حیوانات مانند انسانها از مخلوقات خداوند می باشند و مانند انسان بخشی از هستی محسوب می شوند و دارای حقوقی می باشند. در این رابطه خداوند در سوره انعام سوره ۳۸ " وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ ۚ مَا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ" و محققاً بدانید که هر جنبنده ای در زمین و هر پرنده ای که با دو بال در هوا پرواز می کند همگی طایفه ای مانند شما نوع بشر هستند.... " انسان مالک مطلق حیوانات نیست تا بتواند به اعمال حقوق مالکانه خود به هر نحو که خواهد بر حیوانات بپردازد. مالکیت انسان بر حیوانات به صورت مشروط است. انسان تا حدودی که احکام الهی اجازه داده اند می تواند از حیوانات بهره برداری نماید. در قرآن آیات چندی در خصوص فواید حیوانات (سوره نحل آیات ۵-۸) شعور و درک (سگ در داستان اصحاب کهف) آمده است.

حیوانات اعم از دریایی و غیر دریایی از موجودات خداوند می باشند و لذا انسان در روابط خود با آنها باید در حد معقول به استفاده درست از آنها بپردازد و نباید از آنها به نحوی استفاده نماید که موجب از بین رفتن نسل آنها شود. در این خصوص از پیامبر اسلام(ص) نقل شده که فرمودند: حقوق دام ها و حیوانات بر آدمی عبارتند از: تغذیه آنها حتی اگر این حیوانات پیر یا مریض شده باشند به طوری که دیگر هیچ فایده ای نداشته باشند، این که حیوانات را بیش از حد توانشان بار نکند، این که آنها را در کنار چیزی قرار ندهد که به آنها جراحتی وارد شود، خواه این چیز از نوع خودشان باشد و خواه از نوع دیگر، این که حیوان را مجبور به پیمودن از راههایی ننماید که خارج از توان او باشد، طویله حیوان را باید نظافت کند، به حیوان دشنام ندهد، به حیوان آزار نرساند، حیوانات را به جان هم نیندازد، شبانه به لانه حیوان نرود.(اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۹-۹۳) حتی در مورد استفاده از حیوانات حلال گوشت آدابی در رابطه با ذبح این حیوانات ذکر شده از قبیل این که آنها را با شفقت ذبح کند، این که زمانی که می خواهد آنها را ذبح کند تا زمانی که بدنشان سرد نشده است و کاملاً جان نداده اند اقدام به پوست کندن و شکستن استخوان های آنها نکند، اینکه در جلو چشم آنها بچه یشان را نکشد بلکه این کار را در جایی جدا گانه انجام دهد، این که حیواناتی را که شکار

می‌کند دور نیندازد و این که نه آنها را با وسیله‌ای شکار کند که باعث شکستگی استخوان آنها بشود و نه این که کاری کند که در نتیجه آن خوردن گوشت آنها حرام شود" (عیسی ولائی صص ۱۵۷-۱۵۶)

امام صادق(ع) فرمود "از حقوق حیوانات بر صاحبشان تامین آب و غذاست. از امام علی(ع) نقل شده که فرمود "هر کسی که از سفر بر می‌گردد به مجرد پیاده شدن از مرکب نخست باید به حیوان آب و علف دهد. در این رابطه صاحب جواهر گوید که لزوم تامین وسائل زندگی برای هر جاندارى مورد اتفاق فقهاست. هم چنین امام علی(ع) نقل فرموده که پیامبر(ص) در حال وضو گرفتن بود که گربه‌ای نزدیک شد و حضرت فهمید که حیوان تشنه است ظرف آب را به حیوان نزدیک کرد تا حیوان از آب نوشید و سپس حضرت اقدام به وضو گرفتن نمود. (عیسی ولائی صص ۱۵۹)

با توجه به مطالبی که گذشت شکار و صید به قصد تفریح در اسلام جایز نیست و گفته شده که "اگر کسی برای تفریح به شکار رود باید نمازش را تمام بخواند زیرا سفرش سفر معصیت است". هم چنین از ایشان نقل شده است که فرمود "هر که گنجشکی را به ناحق بکشد خداوند روز قیامت از وی بازخواست می‌کند" و هم چنین نقل شده است که فرمود "هر حیوان پرنده یا غیر آن به ناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند" (عیسی ولائی صص ۱۶۵-۱۶۴)

در اسلام هر عملی که موجب آزار و اذیت حیوانات باشد منع شده است. مانند بار کردن بیش اندازه بر حیوان، زدن حیوان. از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود پیامبر اکرم می فرمودند اگر کسی با عملش موجب صدمه ای به حیوان شود باید دیه آن را بپردازد. در این مورد امام باقر(ع) فرمود "در مورد مردی که چشم اسبی را کور کرده بود امام علی(ع) اینگونه قضاوت نمود: یک چهارم قیمت روز کور شدن را باید به عنوان دیه به صاحبش بپردازد و در حدیثی دیگر آمده که امام صادق(ع) فرمود: دیه سگ شکاری چهل درهم و دیه سگ باغ بیست درهم است. در همین رابطه از امام علی(ع) نقل است که فرمود به صورت چهارپایان زنید و آنها را لعن نمایید زیرا خداوند به لعن کنندگان حیوانات لعن می فرستد. (عیسی ولائی صص ۱۶۶-۱۶۷)

هم چنین حیوانات را نباید به جنگ یکدیگر انداخت در این خصوص امام صادق(ع) از پدرشان امام باقر(ع) نقل نموده که اخته کردن حیوانات و به جنگ انداختن آنها کراهت دارد. هم چنین مثله کردن حیوانات و سوزاندن آنها در اسلام نهی شده است. هم چنین شکار بچه پرندگان جایز دانسته نشده که به مفهوم جلوگیری از انقراض نسل حیوانات است. و هم چنین نباید آرامش آنها را در شب به هم زد و نباید در شب اقدام به ذبح حیوانات نمود همانگونه که نباید در حضور حیوانات دیگر اقدام به کشتن حیوان نمود و حتی نباید حیوان موقع ذبح آلت قتاله را ببیند و نیز کشتن حیوانات آستن و شیرده نیز ممنوع است و هم چنین حیوانی را که به انسان پناه می آورد نباید کشت. (عیسی ولائی صص ۱۶۹-۱۷۰)

ممنوعیت صید و شکار بی جهت از جمله احکام زیست محیطی در اسلام است. از پیامبر اسلام(ص) نقل است که فرمود "هر کس پرنده ای را بی جهت بکشد، پرنده روز قیامت به خدا شکایت می‌کند و می گوید خدایا بنده تو مرا بیهوده کشت بدون این که از من فایده ای ببرد". (اخلاق زیست محیطی در اسلام صص ۹۶)

۲- حفاظت از گیاهان و درختان

در آیات بسیاری در قرآن اشاره به این است که گیاهان و درختان بفرمان الهی بوجود آمدند تا انسان از آنها استفاده نماید(سوره عبس آیه ۲۵، و آیه های ۳۰ الی ۳۳) هم چنین اشتغال به کشاورزی از مشاغل محبوب خداوند می‌باشد. در این رابطه از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود هیچ کاری پیش خداوند محبوب تر از کشاورزی نیست. هم چنین در جای دیگر فرموده زراعت بزرگ ترین گوهر است. (عیسی ولائی صص ۱۷۵)

پیامبر(ص) می فرماید اگر نهالی در دست توست و قیامت هم در آستانه برپائی است و چیزی نمانده که بمیری آن را بکار و بمیر(اسلام و محیط زیست-آیه الهه جوادی آملی-قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶ صص ۲۳۷) بنابراین توجه به عمران و آبادی به عنوان یک رسالت برای بشر و به عنوان یکی از اصول اساسی حقوق محیط زیست در اسلام محسوب می‌شود.

هم چنین از پیامبر (ص)نقل است که فرمود "من بنی بنیانا بغیر ظلم و لا اعتداء او غرس غرسا بغیر ظلم و لا اعتداء کان له اجرا جاریا ما انتفع به احد من خلق الرحمن" هر کس اقدام به ساخت بنائی و یا کاشتن درختی

نماید تا زمانیکه بندگان خدا از آن استفاده می‌نمایند دارای پاداش خواهد بود. (اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۲) در حدیثی دیگر از پیامبر (ص) نقل است که فرمود هر درختی که مسلمان بکارد و یا زراعتی که انجام دهد که موجب شود تا انسانها و یا پرندگان و یا چهارپایان از آن استفاده نمایند موجب صدقه برای او می‌شود. (اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۱)

از امام صادق (ع) نقل است که فرمود "هر کس درخت خرما یا سدر را آب دهد مانند آن است که مومن تشنه ای را سیراب کرده باشد" و در جای دیگر فرمود "هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی را برای شما فرود می‌آورد" (اخلاق زیست محیطی در اسلام ص ۸۴-۸۵)

اکثر انبیا و امامان کشاورز بودند و سعی در احیای زمینهای موات داشتند. از حضرت رسول (ص) نقل شده است که فرمود: هفت کار است که اجر آن پس از مرگ انسان و در عالم برزخ به انسان می‌رسد:

۱- کسی که علمی را به دیگری آموخته، ۲- نهر آبی جاری ساخته، ۳- چاه آبی حفر نموده، ۴- درخت خرمائی غرس کرده، ۵- مسجدی را بنا کرده، ۶- قرآنی (کتابی) را به ارث گذاشته، ۷- فرزندی پرورش داده که بعد از مرگ او برایش با اعمال خود طلب مغفرت می‌کند.

بنابراین کاشتن درخت یکی از اعمالی است که در اسلام به آن تاکید شده است. در همین رابطه پیامبر (ص) فرمود کسی که درختی بکارد و آن را به ثمردهی برساند خداوند به اندازه ثمره اش به او اجر و پاداش خواهد داد. و در جای دیگر فرمود: هر مسلمانی که درختی بکارد و یا زراعتی کشت نماید پس هر انسان یا پرنده یا چهارپائی که از آن بهره مند شود برای او ثواب صدقه در نظر گرفته می‌شود. هم چنین از امام صادق (ع) نقل است که فرمود زراعت کنید و درخت بکارید به خدا قسم هیچ کاری سودمند تر و پاکیزه تر از این نیست که محیط زندگی خود را سرسبز و پر طراوت سازید. هم چنین از ایشان نقل شده که فرمود حتی در حال جنگ با کفار از سوزاندن درختان و نابود کردن کشاورزی آنان احتراز کنید (عیسی و لائی ص ۱۸۱-۱۸۲) از پیامبر (ص) نقل شده که فرمود درختان اطراف مدینه و مکه تحت محافظت قرار دارند و در اجرای این دستور اگر کسی اقدام به قطع این درختان می‌نمود در صورت دستگیری ابزاری که به وسیله آن قطع درخت نموده بود توقیف و به مالکیت شخصی در می‌آمد که او را افساء نموده بود (حق کشف). (عیسی و لائی ص ۱۸۳) از ایشان هم چنین شده است که فرموده اند "تخریب مراتع موجب لعن عامل آن از طرف خداوند می‌باشد". از امام صادق (ع) نقل است که فرمود خداوند درخت را برای انسان آفرید و بر او تکلیف کرد که آن را بکارد و آبیاری کند و بر نگهداری آن تلاش کند. در جای دیگر امام علی (ع) فرمود که عدم قطع درخت موجب طول عمر می‌شود.

فقهای بزرگ شیعه نیز به موضوعات زیست محیطی توجه داشته اند مثلاً محقق حلی در این مورد چنین گفته است "قطع کردن درختان و پرتاب آتش و باز کردن آب بر روی دشمن در جنگ مکروه است مگر در صورت ضرورت" بنابراین حتی در زمان جنگ نیز نباید اقدام به قطع درختان و جاری نمودن آب بر روی دشمن نمود مگر در حالت فورس ماژور و به عنوان آخرین اقدام که در اینصورت می‌توان چنین نمود. نتیجه اینکه اگر در زمان جنگ قطع درختان و جاری نمودن آب مکروه دانسته شده به طور اولی در زمان صلح حکم آن باید شدید تر اعمال گردد. هم چنین در جواهر الکلام برای اثبات بیان محقق حلی روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند "رسول خدا (ص) هنگامی که لشکری را برای جهاد می‌فرستاد فرمانده لشکر را دعوت می‌کرد و او را در کنار خود می‌نشاند و یارانش را در مقابل خود قرار می‌داد و سپس می‌فرمود: به نام خدا و به یاری او و در راه خدا و بر دین رسول خدا (ص) به سوی جهاد حرکت کنید. پیمان شکنی نکنید و به زنجیر نکشید و مثله نکنید و هیچ درختی را قطع نکنید مگر اینکه ناچار شوید و اشخاص پیر و فرتوت و بچه ها و زنان را نکشید". و در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند "درخت نخل را آتش نزنید و آن را غرق نکنید و درخت باروری را قطع نکنید و زراعتی را نسوزانید زیرا شما نمی‌دانید شاید در آینده بدان محتاج شوید و چهارپایان حلال گوشت را نکشید مگر اینکه برای غذایان ناچار شوید" هم چنین در جای دیگر روایت شده است که امام صادق (ع) فرمودند "درختان را قطع نکنید که خداوند بر شما عذاب می‌فرستد".

البته باید متذکر شد که دلیل صدور چنین احکام سختگیرانه ای در رابطه با قطع درختان وضعیت آب و هوایی شبه جزیره عربستان که سرزمینی خشک و صحرائی می‌باشد بوده است که در آن فضای سبز و آب شیرین بسیار اندک است و کاملاً روشن است که در چنین محیطی از بین بردن یک درخت و یا تخریب یک

قنات آب چه تاثیر ناگواری برای ادامه حیات مردمی که پیوسته در حال کوچ و در جستجوی آب و چراگاه بودند چه مشکلاتی را به وجود می آورد است. اما در مکانهایی که آب و درختان و گیاهان به وفور یافت می شوند استفاده معقول از آنها توصیه شده است چرا که در صورت قطع درختان امکان احیای آنها بسرعت وجود دارد. بنابراین می توان برای توسعه اقتصادی اقدام به قطع درختان با شرط جایگزین نمودن آنها نمود. چنانکه از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند "قطع درخت در بیابان مکروه است زیرا این درخت در بیابان کم یافت می شود اما در مدینه قطع آن اشکالی ندارد زیرا در اینجا به فراوانی یافت می شود". در همین موضوع از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که به حضرت علی (ع) فرمودند "یا علی بیرون برو و از قول خدا، نه رسول خدا، بگو که: خداوند لعنت کرده است کسی را که درخت سدر را قطع کند" (محمدی ری شهری محمد، میزان الحکمه ج ۱ ص ۹۵)

امروزه یکی از موضوعات مهم حقوق محیط زیست مقابله با بیابان زائی و حمایت از جنین کوب زدائی است. برای این منظور احیای جنگلهای تخریب شده و کاشت درختان از جمله سیاستهای مهم زیست محیطی کشورها جهان می باشد و بعبارت دیگر از مهمترین اهداف حقوق محیط زیست است. و دیدیم که در اسلام نیز به آن تاکید فراوان شده است. در همین رابطه از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند "از پیامبر (ص) سوال شد که چه مالی بهتر است؟ فرمودند زراعتی که کشاورزی بکارد و آن را اصلاح کند و در هنگام برداشت حق آن را بپردازد" هم چنین در روایت دیگری از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند "کشاورزان کنجهای مخلوقاتند، چیزهای پاکیزه ای را خداوند آفریده است می کارند و در روز قیامت جایگاهی نیکو در قرب الهی دارند و آنان را به نام اشخاص مبارک (پر برکت) می خوانند" (وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، ج ۱۳، ص ۱۹۴)

در همین خصوص امام باقر (ع) از امیر المومنین (ع) نقل نموده که حضرت فرمودند "کسی که آب و خاکی داشته باشد و با وجود آن فقیر باشد (زراعت نکند) خداوند او را از رحمت خود دور گرداند" (میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۱۳)

و از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند "هر گیاهی که کاشته می شود، فرشته ای نگهبان آن می شود تا زمانی که به ثمر برسد. پس هر کس آن را زیر پا له کند فرشته نگهبان او را لعنت می کند" (میزان الحکمه، همان، ص ۹۵) هم چنین فرموده اند "اجر سیراب کردن درخت مانند سیراب کردن مومن می باشد" (بحار الانوار، ج ۹، ص ۴۱۴ اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی - قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶، ص ۲۰۰)

بند ۲ - احکام کلی و عام در رابطه با محیط زیست

با توجه به اینکه ممکن است در زمانهای مختلف موضوعاتی مطرح شوند که در صدر اسلام مطرح نمی بودند و با توجه به اینکه بنا به آیه ۸۹ سوره نحل که می فرماید " این کتاب را که بر تو نازل کردیم بیانگر همه چیز است" بنابراین باید احکام سایر موضوعاتی که حکم صریح شان در قرآن نیامده و یا در روایات و احادیث نقل نشده اند را در سایر احکام اسلامی یافت و آن احکام کلی و عام می باشند. بنابراین علت وجودی این احکام حل مشکلاتی است که با گذشت زمان به وجود می آیند. اصولاً هر نظام حقوقی که مدعی کامل بودن می باشد نیاز به چنین احکامی کند. با توجه به مبانی مختلف این احکام را می توان به گروه های متفاوتی تقسیم نمود. این تقسیم می تواند یا بر اساس ۱- دامنه احکام باشد که شامل قواعد عام که قابل اعمال در همه موضوعات می باشد مانند قاعده الایم و فالایم و یا قاعده رجوع جاهل به عالم و قواعد خاص که فقط در برخی موضوعات قابل اجرا می باشند مانند قاعده تالیف قلوب و یا بر اساس ۲- کاربرد قواعد تقسیم می شوند به احکام صرفاً سیاسی مانند قاعده نفی سبیل و احکام با کاربردهای سیاسی و غیر سیاسی مانند قاعده لاضرر و یا بر اساس ۳- پیدایش احکام به عمل آید. این قواعد می توانند یا قواعد امضائی باشند یعنی قاعده ای که قبل از اسلام نیز وجود داشته و اسلام نیز آنها را جایز نموده است مانند قاعده وفای بعهده، و یا قواعد تاسیسی یعنی احکامی که قبل از اسلام وجود نداشته و اسلام آنها را ایجاد نموده است. برخی از این احکام دارای چنان ویژه گی می باشند که می توانند در موضوعات زیست محیطی کاربرد داشته و قانونگذاران را در موضوع حفاظت از محیط زیست یاری نمایند. مانند اصل لاضرر، مشترکات عمومی و اصل مصلحت

نظام. اصل اتلاف و تسبیب، اصل اعانه بر اثم، قاعده عدم فساد، اصل حفظ تعادل.

الف- اصل تعادل در حفاظت محیط زیست

منابع طبیعی و زیست محیطی به نحوی از طرف خداوند خلق شده اند که تداوم حیات هر یک وابسته به حیات دیگری می‌باشد. بعبارت دیگر نوعی تعادل در عناصر مختلف زیست محیطی وجود دارد که این ویژه گی باید حفظ شود و بشر نباید با اقدامات خود موجب برهم خوردن این تعادل گردد. در این رابطه در آیه ۴۹ سوره قمر خداوند می‌فرماید "ماهر چیزی را به اندازه خلق کردیم" منظور از این آیه این است که استفاده از منابع طبیعی نباید موجب ایجاد عدم تعادل و بر هم خوردن اندازه مذکور در آیه فوق شود. بشر می‌تواند از تمامی مواهب طبیعی بهره برداری نماید منتهی این بهره برداری باید متناسب و صحیح باشد و نه به صورت افراطی که موجب نابودی منابع طبیعی گردد. بعبارت دیگر حقوق محیط زیست در اسلام همان اصول اساسی حقوق محیط زیست امروز را دنبال می‌نماید، یعنی اسلام هیچ مخالفتی با استفاده از مواهب و منابع طبیعی و به عبارت دیگر بهره برداری اقتصادی از این منابع ندارد بشرط اینکه این بهره برداری معقول و منطقی باشد و موجب از بین رفتن و نابودی منابع طبیعی نگردد چرا که این منابع به عنوان میراث طبیعی باید برای نسلهای آینده بشر نیز حفظ گردد. بر خلاف اکولوژیست ها که با دیدی افراطی به مسأله معتقدند که اصولاً هیچ نوع بهره برداری از منابع طبیعی نباید صورت گیرد. در همین مفهوم خداوند در آیه ۸ سوره رعد می‌فرماید "همه چیز در نزد خداوند به اندازه است" بعبارت دیگر باید استفاده از منابع طبیعی بنحوی صورت گیرد که این تعادل به هم نخورد چرا که وجود تعادل میان عناصر مختلف زیست محیطی است که آبادانی و تداوم حیات در روی کره زمین را فراهم می‌آورد. تعادل زیست محیطی به خودی خود چنانچه بشر در آن دخالتی ننماید حفظ می‌شود. دخالت بشر می‌تواند موجب برهم خوردن این تعادل و در نتیجه نابودی عناصر تشکیل دهنده طبیعت گردد. هر عنصری از طبیعت از جایگاه خاص و اهمیت برخوردار است. هیچ چیزی در طبیعت بی دلیل خلق نشده و بشر نباید به سلیقه خود موجب از بین رفتن و نابودی هیچ یک از عناصر طبیعی اعم از جاندار و غیر جاندار شود. در همین رابطه در آیه ۱۹ سوره حجر چنین آمده است " و از هر گیاهی مناسب در زمین رویانیدیم" بنابراین خداوند روئیدنیها را متنوع و مناسب آفریده است هم چنانکه دیگر انواع نیز دارای چنین تنوعی می‌باشند. این امر به مصلحت انسان و دلیل عظمت پروردگار است. تنوع موجب آرامش و انبساط روحی و روانی بشر می‌گردد و او را از کسالت روحی می‌رهاند. با توجه به این موضوع آیا شایسته است که انسان بدست خود به تخریب محیط زیست و از بین بردن این تنوع بپردازد. رفتارهایی که متأسفانه امروزه با آن روبرو می‌باشیم. در آیه ۵۳ از سوره طه چنین آمده است "همان خدائی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راهها برای روابط و سفر و حوایج خلق کرد و از آسمان آبی فرستاد تا به آن انواع نباتات مختلف را از زمین برویانیدیم" مفهوم این آیه این است که انسان جزئی از جهان هستی است و البته از اجزاء ممتاز و تاثیر گذار که ارتباطش با جهان هستی باید در چارچوب احکام اسلامی و قرآن باشد. بنابراین انسان مالک زمین نیست که بتواند به اختیار خود هر نوع دخل و تصرفی در آن انجام دهد. دیگر موجودات نیز به سهم خود دارای حق در این کره خاکی بوده و لذا باید کلیه اقدامات انسان به صورتی به عمل آید که به حقوق آنها تجاوز نشود یعنی موجب نابودی آنها نگردد.

در رابطه با حفظ طبیعت و رعایت تعادل در بهره برداری از آن در اسلام تعالیمی وجود دارد که ما را به میانه روی و پرهیز از اسراف هدایت می‌نماید. از امام صادق(ع) نقل است که فرمود "میانه روی چیزی است که خدای بزرگ آن را دوست دارد و اسراف چیزی است که خدای بزرگ آن را دشمن می‌کند حتی بدور انداختن هسته خرما که آن نیز برای کاری شایسته است و بر زمین ریختن زیادی نوشیدنی که از مصادیق اسراف است" ("عیسی ولای، ۱۳۸۸، ص ۱۰۸) در این رابطه سوره اعراف آیه ۳۱ مقرر داشته "وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ" یعنی تصرف انسان در مال خویش و به مصرف رساندن آن اگر افزودن بر اندازه اعتدال و میانه روی و صرفه جوئی باشد ممنوع است. وقتی اسلام در رابطه با اموال خصوصی فرد حکم بر عدم اسراف و رفتار متعادل می‌نماید به طور اولی در مورد اموال عمومی حرمت چنین رفتاری بیشتر مطرح می‌باشد. یعنی اموالی که جزء انفال و مشترکات عمومی محسوب شده و جزء عناصر طبیعی محیط زیست است.

ب- اصل لاضرر

این اصل در حقیقت روح حاکم بر تمام قوانین اسلامی است. مبنای این قاعده مبتنی بر عقل است یعنی حتی بدون حکم شارع از طریق خود عقل می‌توان به آن دست یافت. مستند آن نیز آیات ۱۸۲، ۲۲۳ و ۲۳۱ سوره

بقره و آیه ۱۲ سوره نساء و نیز روایات متعددی می‌باشد که از ائمه اطهار نقل شده است (دکتر سید مصطفی محقق داماد، "قواعد فقه"، ۱۳۸۸، صص ۱۲۴-۱۳۱) بموجب این اصل در اسلام ضرر به هیچ وجه مشروعیت ندارد حتی اگر قانونی وضع شود که موجب ورود ضرر به فرد و یا جامعه شود و یا در مرحله اجرا موجب ضرر گردد از نظر اسلام مشروعیت ندارد. البته در مواردی ممکن است میان اصل لاضرر و اصل تسلیط که یکی دیگر از اصول حقوقی اسلام می‌باشد تعارض بوجود آید. در این صورت باید به اجرای اصل لاضرر پرداخت زیرا این اصل در جهت تامین منافع عمومی اجرا می‌شود در حالیکه اصل تسلیط هدفش حفظ حقوق خصوصی می‌باشد. مثلاً در بحث حفاظت محیط زیست اگر فردی در محدوده مالکیت خود به اقدامات مخرب زیست محیطی مانند آلوده کردن آب جاری یا قطع اشجار و درختان بپردازد به استناد اصل لاضرر باید مانع او گردید و به استناد همین قاعده در صورت ورود خسارات زیست محیطی او ضامن و مسئول می‌باشد. (ابوالحسن محمدی "قواعد فقه"، نشر دادگستر، سال ۱۳۷۷، صص ۱۵۵-۱۵۳)

ج- قاعده انفال

خداوند در آیه ۱ سوره انفال می‌فرماید "در باره انفال از تو می‌پرسند، بگو انفال از آن خدا و پیامبر است". در باره مصادیق انفال فقها برداشتهای گوناگون دارند که ناشی از مقتضیات هر زمان و مکان و نیاز اجتماعی مردم در هر دوره ای می‌باشد (خامنه ای، محمد-مالکیت عمومی-ص ۶۰) در مفهوم عام مراد از انفال کلیه اموال عمومی است که متعلق به فرد یا افراد مشخصی نمی‌باشند، اموالی که خداوند آنها را برای بندگان خلق کرده است یعنی اموالی که ساخته دست بشر نبوده و به شخص خاصی تعلق ندارد از قبیل اراضی موات، سواحل دریاها، کوهها، بیابانها، معادن، جنگلها، مراتع و بیشه ها، فضا، هوا و آبهای زیر زمینی. این اموال به امام و رهبر جامعه مسلمین تعلق دارد و او می‌تواند از آنها در جهت منافع کل جامعه استفاده نماید. (منتظری، حسین علی، کتاب الخمس، ص ۳۴۹) با توجه به اینکه مصادیق مذکور در حقوق محیط زیست مورد بحث قرار می‌گیرند بنابراین می‌توان گفت که موضوعات زیست محیطی با مسایل انفال کاملاً منطبق می‌باشد.

د- مشترکات عمومی

- مشترکات عمومی منظور اموالی است که متعلق به شخص خاصی نبوده و همه افراد می‌توانند با رعایت مصلحت عموم از آن استفاده نمایند بعبارت دیگر این اموال نمی‌توانند به تملک افراد در آیند و دولت به عنوان حافظ منافع عمومی بر این موضوع نظارت دارد. این اموال یا در اختیار دولت است یا در اختیار سایر نهادها و موسسات عمومی از قبیل شهرداریها. در استفاده از این اموال همه مردم با حقوق برابر دارای حق می‌باشند مانند حق استفاده از پارکها، جنگلها، خورشید، نور. در مواردی نیز استفاده از این اموال تحت شرایط خاصی ممکن می‌گردد از جمله این شرایط شرط عدم اضرار به غیر، عدم مزاحمت برای دیگران و عدم استفاده بیش از نیاز می‌باشد. دولت به عنوان حافظ منافع عمومی نیز مسئولیت نظارت بر رعایت این حقوق را برعهده دارد (قرشی، محمد بن احمد، آئین شهرداری، ص ۹۵)

ه- اصل مصلحت نظام

در تعریف اصل مصلحت چنین بیان شده است: "مصلحت عبارت است از تدبیری که دولت اسلامی به منظور رعایت منافع مادی و معنوی جامعه اسلامی و در راستای اهداف شارع مقدس اتخاذ می‌کند." (مهرداد محمدی "اصل مصلحت و تصویب برخی معاهدات توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام" بدون تاریخ <http://www.yaserziaee.blogfa.com>)

- دولت دارای دو نوع مسئولیت است از یک طرف مسئولیت وضع مقررات لازم برای اداره جامعه و از طرف دیگر اجرای احکام و قوانین. اگر حاکم جامعه اسلامی نتواند در چارچوب اصول و موازین فقهی موجود حکم موضوعی را تعیین نماید، به اصل دخالت دولت و مصلحت نظام متوسل می‌شود. بموجب این اصل در صورت اختلاف و تعارض میان دو قاعده و قانون باید به اجرای آن قاعده ای پرداخت که بهتر منافع جامعه را تامین نماید، مثلاً اگر بین یکی از اصول زیست محیطی و یکی از قوانین جامعه تعارضی پیش آید حاکم باید به توجه به اصل منفعت عمومی به اجرای آن قاعده ای بپردازد که بیشتر حافظ منافع همگانی می‌باشد و چون قوانین زیست محیطی بیشتر تامین کننده منافع جامعه می‌باشند حاکم باید به اجرای آنها بپردازد. از نظر مبنای فقهی به دلیل عدم وجود حکم صریحی در قرآن در این رابطه می‌توانیم به آیه

شریفه "و شاورهم فی الامر..." و یا آیه ۵۹ استناد نمائیم که می فرماید "خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و صاحبان امرتان فرمان ببرید". هم چنین در روایات آمده "حضرت علی (ع) هنگام شمارش حقوق خود بر مردم... می فرماید: حق من بر شما این است که هرگاه شما را برای کاری خواندم اجابت نمایید و فرمانم را اطاعت کنید. پیامبر اکرم (ص) هم در ۱۳ سال اول بعثت در مکه بر مبنای مصالح امور مسلمین و حفظ اسلام، احکام حکومتی صادر می نمودند." (مهرداد محمدی" اصل مصلحت و تصویب برخی معاهدات توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام" همان)

و- قاعده عدم فساد

در قرآن آیات متعددی در رابطه با عدم فساد نازل شده است و منظور از فساد هر عملی را گویند که موجب نابودی یا آسیب جدی به آنچه می باشد که در صورت عدم وجود فساد به صورت سالم وجود می داشت. در حقوق محیط زیست از آن به عنوان تخریب و آلودگی نام برده می شود. در سوره هود آیه ۶۱ خداوند می فرماید "هُوَ أُنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا" یعنی ای انسان او خدائی است که شما را از خاک بیافرید و شما را برای آباد کردن زمین مستقرتان کرد. بنابراین رسالت انسان در زمین عمران و آبادانی زمین می باشد و نه ایجاد فساد و تخریب آن. آمده است که وقتی خداوند انسان را خلق کرد فرشتگان لب به اعتراض گشودند که چرا موجودی را که افساد گر است خلق کردی "حال آنکه ما با ستایشت ترا تنزیه می کنیم و به تقدست می پردازیم و خداوند فرمود من چیزی می دانم که شما نمی دانید..." (عیسی و لائی، ص ۱۹۵)

بنابراین وظیفه انسان حفاظت از منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب محیط می باشد چرا که یکی از معانی که از فساد درک می شود تخریب محیط زیست است. در این رابطه خداوند در سوره اعراف آیه ۵۶ می فرماید "وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ حَوْقًا وَطَمَعًا ۗ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ" که خداوند هرگز تبهکاران را دوست نمی کند و هرگز در زمین پس از آنکه کار آن به امر خدا نظم یافت به تبهکاری بر نخیزید و خدا را هم از روی ترس و هم از روی امید بخوانید که البته رحمت او به نیکوکاران نزدیک است. در زمین بعد از اصلاح آن فساد مکنید. نکته قابل توجه که تقویت کننده نظریه مترادف بودن فساد با تخریب محیط زیست این است که آیه مذکور در بین آیاتی آمده که به بیان پدیده های طبیعی می پردازند مانند پیدایش زمین در شش روز، استقرار عرش، گردش شب و روز، خورشید و ماه و ستارگان، باد و ابر، زنده کردن زمین، نزول باران. در سوره بقره آیه ۲۰۴ هر رفتاری که موجب آسیب رسیدن به کشت و محصولات و تولید شود از طرف خداوند فساد تلقی شده و نهی گردیده است. در همین رابطه در سوره رم آیه ۴۱ خداوند می فرماید "ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" یعنی مردم با اقدامات خود موجب فساد در خشکی و دریا شدند باشد که نتیجه اعمال خود را ببینند. بنابراین قاعده عدم فساد یا عدم تخریب محیط زیست از جمله قواعد حاکم در حقوق محیط زیست اسلامی می باشد. در همین خصوص پیامبر (ص) فرمودند "هر کس از راه مسلمانان چیزی را که باعث آزار رهگذر است بر طرف کند خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در دیوان عمل او ثبت می کند..." (اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی، قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶ ص ۸۵)

منظور از راه مسلمان شامل هر مکانی می شود که انسان در آنجا می باشد و یا از آن عبور می نماید یعنی هم شامل محیط دریائی می شود و هم محیط خشکی و یا قلمرو هوایی و فضائی که در آینده می تواند تبدیل به یکی از مناطقی شود که بشر به طور مرتب از آن استفاده می نماید و منظور از هر چیزی که باعث آزار می شود می تواند شامل انواع آلودگی ها باشد بدین ترتیب خداوند از انسان می خواهد که اولاً خود اقدام به آلودگی محیط زیست ننماید و ثانیاً در صورتی که با موردی از آلودگی محیط زیست روبرو شد اقدام به برطرف نمودن آن نماید و برای اینکه واقعا در این کار کوشش نماید برای او اجر و پاداش در نظر گرفته که همانا پاداش اخروی می باشد با این عبارت که کسانی که در جهت نظافت محیط زیست و حفاظت آن کوشش می نمایند خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در نامه اعمال آنها منظور می نماید.

در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (ص) آمده است سه گروه از افراد در اثر اعمالی که انجام می دهند مورد لعنت خداوند می باشند: ۱- کسی که مکان عمومی را آلوده کند، ۲- کسی که خارج از نوبت آب ببرد ۳- کسی که سد معبر کند. (اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی، قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶ ص ۸۶)

ز- قاعده اتلاف و تسبیب

قاعده اتلاف و تسبیت از جمله قواعد ایجاد مسئولیت می باشند که اگر چه از نظر تعریفی اندکی با یکدیگر متفاوت می باشند ولی از نظر نتیجه حکم هر دو قاعده یکی است و آن ایجاد مسئولیت عامل خسارت به جبران خسارت قربانی عمل خود می باشد. مستند این قاعده آیه ۱۹۰ سوره بقره و روایات متعدد می باشد از جمله روایتی از حضرت رسول (ص) است که فرموده اند "حرمه مال المسلم کحرمه ذمه" یعنی احترام مال مسلمان مانند احترام خون او است، هم چنین نظر اجماع فقها و نیز مستندات عقلی نیز چنین قاعده ای را حکم می نماید (دکتر سید مصطفی محقق داماد "قواعد فقه"، ۱۳۸۸، صص ۱۱۲-۱۰۹). بموجب قاعده اتلاف کسی که با عمل خود چه فعل باشد یا ترک فعل مال دیگری و یا منافع آن را عمدا یا سهوا بدون اذن صاحب مال تلف نماید مسئول بوده و باید غرامت آن را بپردازد. آسیب رساندن به محیط زیست نیز موجب مسئولیت عامل رفتار می شود و باید پاسخ گوی عمل خود در مقابل افراد عمومی و خصوصی باشد و آن را جبران نماید. در همین رابطه از امام علی (ع) روایت شده است که فرمود "کسی که چهارپائی را بکشد یا درختی را بیهوده قطع کند و یا کشتزاری را خراب کند یا خانه ای را ویران سازد یا چاه آب یا نهری را از بین ببرد باید قیمت آنچه را که تباہ و فاسد کرده به عنوان غرامت بپردازد و اگر عمدی بوده تعزیر و تادیب هم بشود ولی اگر به خطا این کارها را انجام داده باشد فقط بر او غرامت است و حبس و تادیبی در کار نیست و اگر حیوانی را ناقص کند بر او لازم است تفاوت قیمت آن را به صاحبش تادیب نماید" (ولائی، ص ۲۰۳). در قاعده تسبیب نیز اگر کسی مستقیما و یا به طور غیر مستقیم سبب ورود خسارت به محیط زیست شود ضامن بوده و باید جبران خسارت نماید. از قاعده اتلاف قاعده دیگر بدست می آید و آن قاعده احترام به مال مردم می باشد یعنی عدم تعدی و تصرف مال دیگری که نتیجه حاصل از آن این است که در فرض تعدی و تجاوز متصرف و متجاوز مسئول و ضامن خسارات وارده می باشد (سید مصطفی محقق داماد "قواعد فقه" بخش مدنی ۱۳۸۸ ص ۲۱۳) محیط زیست از اموال مشترک می باشد و بنابراین تجاوز و تعددی به آن تجاوز به حقوق عامه محسوب شده و دولت به عنوان مدعی العموم جامعه باید در جهت رفع تجاوز اقدام نماید.

ح - قاعده ملازمه

در شریعت اسلامی، به ویژه در فقه شیعه عقل به عنوان یکی از منابع حقوق محسوب می شود. البته مقصود از عقل "ادراکات قطعی و روشن عقل است، نه احتمالات و ظنون؛ چرا که قضیه های عقلی در مقدمات برهان قرار می گیرند، و برهان مفید علم و یقین است؛ در حالی که قضایای ظنی و احتمالی تنها در استدلال های خطابی و جدلی کاربرد دارند، و مبتنی بر تشبیه و تمثیل اند، و این همان است که در اصطلاح فقها «قیاس» نامیده می شود و در مکتب اهل بیت - علیهم السلام - مردود شناخته شده است؛ زیرا شریعت را نمی توان و نباید بر وهم و ظن و احتمال پایه گذاری کرد، ولی می توان آن را بر اساس علم و یقین و عقل و برهان استوار ساخت" پذیرش عقل به عنوان یکی از منابع حقوق مبتنی بر برخی آیات قرآن کریم است؛ مثلا در سوره اسراء/ ۳۶ "چنین آمده است " وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ " یعنی خداوند انسان را از پیروی از آن چه انسان به آن علم ندارد، نهی نموده است؛ و یا در سوره نجم/ ۲۸ " وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا . " در فقه شیعه به عقل تحت عنوان «مستقلات عقلیه و ملازمات عقلیه» توجه شده و مسئله ملازمه میان حکم شرع و عقل، از مسائلی مهم است. بر اساس آن وجوب یا حرمت رفتاری یعنی حسن یا قبح هر عملی را می توان تشخیص داد از این قاعده با عبارت معروف «كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعُقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» تعبیر می شود. یعنی هر گاه که عقل حسن یا قبح فعلی را تشخیص دهد، در حقیقت حکم شرعی را تشخیص داده است. (علی ربانی گلپایگانی، اسلام و نیازهای زمان، <http://andisheqom.com/index.php>)

در حقوق محیط زیست بر اساس اصل آلوده کننده-پرداخت کننده عامل خسارت به محیط زیست ضامن بوده و باید به جبران آن بپردازد. توجیه قاعده مذکور از نظر فقهی در قاعده ملازمه نهفته است. بموجب این قاعده که امروزه به آن قاعده عقل سلیم گویند هر گاه درست بودن و یا نادرست بودن عملی از طرف خرد جمعی درک شود قانونگذار نیز به آن حکم خواهد داد. بنابراین با توجه به اولویت منافع عمومی و مصلحت جامعه بر منافع خصوصی و مصالح شخصی عقل سلیم ایجاب می نماید که خسارت وارد کننده به محیط زیست به جهت اولویت مصالح عمومی، به جبران آن بپردازد و دارای مسئولیت باشد. شارع اسلامی که همان قانونگذار می باشد باید بر اساس قاعده ملازمه در اینگونه موارد در جهت دفاع از منافع عمومی به اتخاذ تصمیم بپردازد و این تصمیم چیزی جز واجب دانستن حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی و حرام دانستن تخریب آن نمی باشد. (ولائی ص ۲۰۷)

ط - قاعده اهم و مهم

یکی از قواعد مسلم در اصول فقه امامیه، قاعده اهم و مهم است. بموجب این قاعده هرگاه میان دو حق تعارض بوجود آید، در این صورت باید به اعمال حقی پرداخت که دارای اهمیت بیشتری است. مثلاً بر اساس اصل تسلیط افراد می‌توانند از مایملک خود هر گونه که می‌خواهند استفاده نمایند ولی اگر استفاده از این حق موجب ورود خسارات زیست محیطی شود، دو حق در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند یکی حق خصوصی (اصل تسلیط) و دیگر حق عمومی (اصل حق حیات جامعه). در اینجا حاکم می‌تواند بر اساس قاعده اهم و مهم دستور ورود به ملک خصوصی افراد برای ممانعت از ادامه آلودگی های زیست محیطی تولید شده در آن ملک را صادر نماید.^۲

ی- قاعده اعانه بر اثم

- این قاعده به توصیف رفتاری می‌پردازد که هر گاه بوجود آید عامل آن به عنوان معاونت در جرم، مجرم تلقی شده و باید مجازات شود. از نظر لغوی اعانه بر اثم به مفهوم کمک به گناه می‌باشد. در فقه اسلامی جرم همان اثم و گناه است. (آیت الله محمد حسن مرعشی- تقریرات درس دوره دکتری جزا بخش معاونت در جرم در فقه اسلامی-ص بدون تاریخ <http://islamicreflection.blogdoon.com/Post>) حرمت گناه در اسلام به عنوان یک اصل محسوب می‌شود. بنابراین هر گاه رفتار مجرمانه ای در جامعه صورت گیرد شخصی هم که در انجام آن رفتار اگر چه نه به صورت مستقیم، دخالت داشته است به عنوان معاونت، شریک در جرم محسوب شده و باید مجازات شود. اساس قاعده مذکور از آیه شریفه يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا... وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ " می‌باشد (مائده (۵) آیه ۲) در این آیه خداوند از انسان می‌خواهد تا به اعمال صالح و نیکو بپردازد و از اعمال ناپسند و گناه خودداری نمایند. هم چنین افراد نباید در انجام اعمال ناپسند و گناه و یا به تعبیری جرم دیگران را کمک نمایند که در صورت چنین رفتاری خود نیز مرتکب گناه و جرم می‌شوند. (سید مصطفی محقق داماد "قواعد فقه" بخش جزائی ۱۳۸۸ صص ۱۷۶-۱۷۳) علاوه بر آیه مذکور در روایات متعددی^۳ و نیز نظرات اجماع فقها بر حرمت اعانه بر اثم تاکید شده است. (روح الله شریعتی "چیستی قواعد فقه سیاسی" مجله علوم سیاسی - شماره ۲۱ ص ۱۵)

از جمله مصادیق گناه (اثم) انجام مفاسد اجتماعی است مانند خرید و فروش و توزیع مواد مخدر و غیره... تجاوز به محیط زیست از طریق آلوده نمودن و یا تخریب آن نیز یکی از مفاسد اجتماعی می‌باشد. با توجه به اینکه هم چنانکه قبلاً بیان شد حمایت و حفاظت از محیط زیست در آیات و روایات گوناگون توصیه شده است، اگر کسی به نقض مقررات زیست محیطی بپردازد رفتار او از نظر اسلامی گناه و جرم محسوب شده و حاکم می‌تواند بر اساس قاعده اعانه بر اثم او را مجازات نماید.

نتیجه

در پایان باید گفت که بر اساس احکام اسلامی رابطه نزدیکی میان انسان و طبیعت وجود دارد و لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ" و چنانچه مردم شهر و دیار همه ایمان آورند و پرهیزکار شوند، همانا درهای برکات آسمان و زمین را بر روی آنها می‌گشائیم. (سوره اعراف آیه ۹۶ اسلام و محیط زیست، آیه اله جوادی آملی، قم مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸)

در چهارچوب این رابطه هم چنانکه مطالعه شد وظیفه انسان حفاظت از طبیعت و علاوه بر آن آباد کردن و احیای آن می‌باشد و نه تخریب محیط زیست. زیرا بر اساس احکام اسلامی خداوند پاک است و پاکی را

۱. تفاوتی میان قاعده عقلی اهم و مهم با قاعده «نفی ضرر» و «نفی حرج» و در تشخیص مصادیق و موارد است. تشخیص "قواعدی چون نفی ضرر و نفی حرج برعهده عرف یا افراد خبره‌ای مانند پزشک و امثال او است، و گاهی نیز خود مکلف می‌تواند آن را تشخیص دهد. مثلاً این که آیا گرفتن روزه برای سلامتی انسان ضرر دارد یا نه، و یا حرجی است یا خیر، با رجوع به پزشک، یا تشخیص خود مکلف، و یا افراد دیگر می‌توان به دست آورد؛ ولی تشخیص اولویت و اهمیت یک حکم دینی نسبت به حکم دینی دیگر کار دقیق و دشواری است که غالباً برعهده فقیه و مجتهد است. یعنی در اینجا تشخیص حکم و موضوع هر دو توسط مجتهد انجام می‌گیرد...." علی ربانی گلپایگانی- اسلام و نیازهای زمان-<http://andisheqom.com/index.php>

۱. محمد حسن عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۹، ص ۹ باب ۲ از ابواب قصاص النفس حدیث ۴ حدیثی از امام صادق(ع)، ج ۱۲ ص ۱۳۰ باب ۴۲ از ابواب مایکتسب به، حدیث ۱۱ حدیثی از پیامبر(ص)، ص ۱۳۱ حدیث ۱۵ حدیثی دیگر از پیامبر(ص) مذکور در مقاله "چیستی قواعد فقه سیاسی" شریعتی روح الله مجله علوم سیاسی - شماره ۲۱ ص ۱۵

دوست دارد "ان الله تعالى طيب يحب الطيب، نظيف يحب النظافة، كريم يحب الكرم، جواد يحب الجواد، فنظفوا افئتيكم". (نهج البلاغه ج ٤ ص ٦٠٦ اسلام و محیط زیست-آیه اله جوادی آملی -قم مرکز نشر اسراء ١٣٨٦ ص ٢٦٧) و آنچه که در طبیعت وجود دارد برای این است که انسان از آن بهره برداری نماید و متعلق به زمین است و نه متعلق به انسان! إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا " ما آنچه در زمین جلوه گراست زینت و آرایش زمین قرار دادیم تا مردم را به آن امتحان کنیم. (سوره کهف آیه ٧ اسلام و محیط زیست-آیه اله جوادی آملی -قم مرکز نشر اسراء ١٣٨٦ ص ٢١٧)

هم چنانکه مطالعه شد در قرآن در رابطه با هر یک از عناصر بی جان طبیعت آب، هوا، خاک و نیز عناصر جاندار درختان و جانوران احکامی وجود دارد. در این احکام از طرفی به اهمیت هر یک از این عناصر و نقشی که در زندگی بشر ایفا می‌نمایند و اینکه همه آنها برای بشر خلق شده اند تا بشر بتواند با استفاده از آنها به کمال برسد تاکید شده و از طرف دیگر متذکر می‌شود که تمامی این عناصر مواهب الهی است و بشر به عنوان امانت دار در استفاده از آنها نباید چنان رفتار نماید که موجب تخریب و نابودی آنها گردد بلکه باید به عنوان هر امانتداری بنحوی رفتار نماید که بعد از او این مواهب به دست آیندگان برسد. بعبارت دیگر هم چنانکه خداوند جهان را برای بشر خلق کرده است مسئولیت حفاظت از آن را نیز بر عهده بشر واگذار نموده است و چون هیچ عمل انسان بی تاثیر بر محیط زیست نمی‌باشد بنابراین باید از اعمالی که موجب آسیب رساندن به محیط زیست می‌شود اجتناب نماید. برای حل معضلات زیست محیطی در اسلام و بخصوص در فقه شیعه راهکارهایی وجود دارد که به دولت اسلامی امکان می‌دهد تا با استناد به آنها ضمن حفاظت از محیط زیست به حراست از این میراث که از گذشتگان به ما رسیده برای نسل های آینده بپردازد.

این راهکارها امکان می‌دهد تا از طرفی به محیط زیست به عنوان مال مشترک احترام بگذاریم و نظام اسلامی بر اساس اصل مصلحت می‌تواند در مواردی هم که سکوت حکمی در حفظ محیط زیست وجود داشت باشد به وضع قوانینی بپردازد که به بهترین وجه حافظ منافع زیست محیطی باشد. بموجب اصل عدم فساد انسانها دارای مسئولیت در رابطه با بهره برداری از طبیعت و منابع طبیعی بوده و لی استفاده از طبیعت و محیط زیست باید هوشمندانه بوده و آسیبی به آن وارد ننماید. در غیر اینصورت در چهارچوب قاعده اتلاف و تسبیب و نیز قاعده لاضرر فرد آسیب رسان مسئول بوده و باید به جبران خسارات وارده بپردازد. این مسئولیت مبتنی است بر قاعده ملازمه یا خرد جمعی. بر اساس آن عقل سلیم حکم می‌نماید که آسیب زننده به محیط زیست به جبران خسارات آن نیز بپردازد. و نیز بر اساس قاعده اعانت بر اثم نه تنها خود عامل جرم زیست محیطی بلکه هم چنین هر کسی که در انجام جرم زیست محیطی به نحوی معاونت داشته به عنوان معاون جرم مسئول بوده و باید پاسخ گوی اعمال خود باشد. بدین ترتیب می‌توانیم بگوئیم که قانونگذاران اسلامی می‌توانند مستندا به قواعد مذکور به حل معضلات زیست محیطی در جامعه پرداخته و از محیط زیست حفاظت نمایند.

- ۱- برازش، علیرضا، "وسائل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه" ج ۱۳ انتشارات انصاریان قم ۱۳۷۳
 - ۲- تقی زاده انصاری، مصطفی - "حقوق محیط زیست در ایران" - انتشارات سمت چاپ دوم ۱۳۸۷
 - ۳- جوادی آملی، آیه الله - "اسلام و محیط زیست" - قم مرکز نشر اسراء ۱۳۸۶
 - ۴- حسینی، سید فضل الله - عمیق، محسن - "اخلاق زیست محیطی در اسلام" - نشر استاد مطهری ۱۳۸۵
 - ۵- خامنه ای، محمد- "مالکیت عمومی" - انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا ۱۳۸۶
 - ۶- شریعتی، روح الله "چیستی قواعد فقه سیاسی" مجله علوم سیاسی - شماره ۲۱
 - ۷- قرشی، محمد بن احمد- "آئین شهرداری" - ترجمه جعفر شعار- انتشارات علمی و فرهنگی- بی تا
 - ۸- منتظری، حسین علی- "کتاب الخمس" - انتشارات ارغوان دانش ۱۳۸۶
 - ۹- محمدی ری شهری، محمد- "میزان الحکمه" ج ۱ موسسه میزان الحکمه ۱۳۶۲
 - ۱۰- محمدی، ابوالحسن "قواعد فقه" نشر دادگستر ۱۳۷۷
 - ۱۱- محقق داماد، سید مصطفی، "قواعد فقه" بخش جزائی ۱۳۸۸
 - ۱۲- محقق داماد، سید مصطفی، "قواعد فقه" بخش مدنی ۱۳۸۸
 - ۱۳- نوری، میرزا حسین، "مستدرک الوسائل" ج ۱۷ انتشارات اسلامیة ۱۳۳۸ ق
 - ۱۴- لوائی، عیسی، "اسلام و محیط زیست"، نشر اندیشه مولانا، قم ۱۳۸۸
- منابع اینترنتی

۱۵- ربانی گلپایگانی، علی ، اسلام و نیازهای زمان،

<http://andisheqom.com/index.php>.

۱۶- مرعشی آیت الله محمد حسن ، تقریرات درس دوره دکترای جزا بخش معاونت در جرم در فقه اسلامی- بدون تاریخ

<http://islamicreflection.blogdoon.com/Post>

۱۷- محمدی، مهرداد " اصل مصلحت و تصویب برخی معاهدات توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام" بدون تاریخ <http://www.yaserziaee.blogfa.com>